



تبیین مبانی فقهی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع "حمایت از کالای ایرانی"

یداله یوسفی^۱

دکتر سید محمد هاشم پور مولا^۲

چکیده

رهبر انقلاب اسلامی، "اقتصاد مقاومتی" را به صورت جامع تبیین نشده، لذا دلالت قواعد فقهی و مستندات قرآنی و روایی موضوع بررسی شد. آیاتی که بر موضوع دلالت دارند در شش دسته تقسیم بندی گردید: اعتقاد به رزاقیت خدا، اقامه قسط و همیاری، عدم اعتماد به ظالم، هشیاری و خودباوری و آمادگی، استقامت و اعتدال در زندگی، عدم سلطه کفار. روایات نیز در چهار دسته طبقه بندی شد:

تأکید بر تلاش برای کسب و کار، عبادت بودن کسب روزی حلال، عزت در تلاش برای کسب روزی حلال، بهترین راهبرد مقابله با اقدامات سلطه‌گرانه مطرح و بر موضوع "حمایت از کالای ایرانی" به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی اصرار نموده‌اند. تاکنون مبانی اندیشه‌های فقهی ایشان در این زمینه اکتفا به توانمندی خود و خودداری از وابستگی به دیگران. همچنین تعداد نه قاعده یافت شد که بر موضوع دلالت داشت که این قواعد عبارتند از: نفی سبیل، لاضرر، حفظ نظام، سلطنت، ولایت حاکم، حرمت اعانت بر ائمه، الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار، اتلاف، احترام مال المسلم و عمله. نتیجه اینک: موضوع، از زیربنای متقن فقهی برخوردار است. این پژوهش از نوع نظری و با روش تحقیق کیفی (توصیفی، تحلیلی) صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، کالای ایرانی، قاعده فقهی، آیات، روایات.

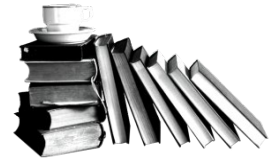
۱- مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی، همواره آماج تهاجم استعمارگران واقع شده و در برابر تمامی نظام‌های سلطه‌گر مقاومت نموده است. دشمنان پس از نومیادی در رویارویی نظامی به تهاجم اقتصادی پرداخته و مبادرت به تحریم‌های بین‌المللی نمودند، تا از طریق فلج نمودن اقتصاد کشور و وابستگی آن، استقلال نظام اسلامی را شکسته و به اهداف استعماری خود نائل آیند. از این رو چندین سال است که رهبر انقلاب اسلامی، بر موضوع استقلال اقتصادی تأکید نموده و "اقتصاد مقاومتی" را به عنوان راهبرد مقابله با اقدامات دشمنان مطرح، و بر "حمایت از کالای ایرانی" اصرار می‌نمایند. اقتصاد مقاومتی، اقتصاد درون‌زا و پویا مبتنی بر توانمندی‌های داخلی در شرایط بحرانی است و حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی، روح اقتصاد مقاومتی و به تعبیر رهبر انقلاب، ستون فقرات آن می‌باشد.

با این نگاه، تمامی کشورها برای ادامه حیات عزتمندانه و حفظ استقلال خود، ناگزیر به اجرای شعار بنیادین "حمایت از کالای داخلی" هستند، با این تفاوت که حکومت اسلامی ایران، از حمایت فقه سنتی نیز برخوردار است. مضمون "حمایت از کالای ایرانی" در همه شعارهای اقتصادی سال‌های اخیر که توسط رهبر انقلاب ابلاغ گردیده، متبلور است، زیرا در صورت انکاء به تولید داخلی، استقلال اقتصادی محقق می‌شود.

۱- یداله یوسفی - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه شیراز - yusefi.ir96@gmail.com

۲- دکتر سید محمد هاشم پور مولا - دانشیار بخش فقه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز - pourmola@gmail.com



۱۲ سال پرداختن به این شعارهای اقتصادی، حاکی از دغدغه رهبر بصیر انقلاب در این زمینه و بیانگر اهمیت ویژه آن است. با این حال، تا کنون به صورت جامع به تبیین و واکاوی مبانی فقهی اندیشه‌های ایشان در این موضوع پرداخته نشده، از این رو ضرورت چنین تحقیقی به ویژه در مقطع حساس فعلی که حمایت از کالای ایرانی در خنثی نمودن تأثیرات تحریم‌های ظالمانه نقشی تعیین کننده دارد، احساس می‌شود.

بر این مبنا، مقاله حاضر در راستای تبیین مبانی فقهی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع "حمایت از کالای ایرانی"، دلالت آیات، روایات و قواعد فقهی مربوطه این موضوع را بررسی نموده و به این سؤال پاسخ داده است که: دیدگاه ایشان در موضوع حمایت از کالای ایرانی، مستند به کدامیک از آیات، روایات و قواعد فقهی است؟

۲- پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص گردید چند مقاله در مضامین مشابه، به رشته تحریر درآمده که به ترتیب تاریخ تدوین، به اهم آن‌ها اشاره می‌گردد. مقاله‌ای تحت عنوان "مبانی فقهی حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی" (اسلامی، ۱۳۹۱) با استفاده از قواعد نفی ضرر، تسلط، نفی سبیل به تبیین موضوع پرداخته و کارایی این قواعد را وابسته به پذیرش مبانی انسان شناسی حاکم بر این بحث دانسته است. نویسنده مقاله دیگری با عنوان "نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار" (ابوطالبی، ۱۳۹۲) به بررسی راهکارهای علمای شیعه عصر قاجار در حمایت از تولید ملی پرداخته است. نویسنده مقاله‌ای تحت عنوان "راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی" (عبدالهی عابد و دیگران، ۱۳۹۳) می‌نویسد: «باید دانست چگونه می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های قرآن، اقتصادی موفق داشت و تمدن اسلامی معاصر را شکل داده و به صورت عملی مورد استفاده قرار داد». مقاله دیگری با موضوع "حمایت از تولیدات ملی و قاعده نفی سبیل" (جلالینیا و دیگران، ۱۳۹۴) می‌نویسد:

قاعده "نفی سبیل" می‌باشد چنانچه حمایت از تولیدات ملی یکی از مقدمات واجب قاعده نفی سبیل محسوب شده و حمایت از تولیدات ملی نتیجه این قاعده است، اما تفاوت این پژوهش با تحقیقات مذکور در این است که با نگاهی جامع، مبانی فقهی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای را در موضوع "حمایت از کالای ایرانی" از منظر آیات، روایات و قواعد فقهی، به صورت یکجا مورد بررسی قرار داده است.

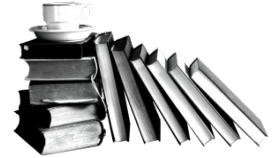
۳- آیات

یکی از مبانی فقه اسلامی، آیات کریمه قرآن است که دلالت آن‌ها بر موضوع مورد بررسی قرار گرفته و با جمع‌بندی آن‌ها، در شش محور طبقه‌بندی شده‌اند.

۳-۱- اعتقاد به روزی دهنده‌گی خدا

کلیدهای آسمان‌ها و زمین برای اعطای روزی در دست خداست (شوری، ۱۲). خداوند رزق و روزی حلال را برای بندگان مقدر و در کسب روزی به رعایت تقوا توصیه نموده، پس ایجاب می‌کند در بهره‌گیری از مواهب الهی، اعتدال و تقوا را رعایت نمائیم (مائده، ۸۸) و در شرایط حساس جنگ اقتصادی دشمن با جمهوری اسلامی، اتکاء به کشورهای بیگانه برای تأمین نیازهای داخلی امری خلاف تقوای الهی می‌باشد (بقره، ۱۶۸).

خداوند روزی‌های پاکیزه را برای بندگان و به طریق اولی برای مؤمنین قرار داده (اعراف، ۳۲) و مؤمنین را عزیز دانسته (منافقون، ۸) و راضی به استیلاي کفار بر آنان نیست (نساء، ۱۴۱). پس اتکا مسلمانان به توانمندی خود در کسب عزتمندانه روزی حلال و عدم وابستگی اقتصادی به بیگانگان که زمینه سلطه‌پذیری و انزلام را به همراه دارد، مسیری است که خداوند



برای عزت مسلمانان ترسیم نموده و تخطی از آن، عقوبت ذلت و زوال نعمت را به دنبال خواهد داشت (نحل، ۱۱۲). این شیوه‌ای است که خداوند برای مسلمانان برگزیده و از چشم دوختن به آنچه دیگران دارند برحذر داشته است (طه، ۱۳۱). با وجود خداوندی که بهترین روزی دهندگان بوده (سبأ، ۳۹) و نسبت به بندگانش محبت دارد (شوری، ۱۹) و به حال بندگان آگاه است (شوری، ۲۷) و رزق و روزی او پایان پذیر نیست (ص، ۵۴) چه حاجت به نیازمندی به دیگران؟ با این همه، خداوند موفقیت در کسب روزی حلال را در گرو تلاش و خودباوری قرار داده است (ملک، ۱۵) چنانچه علی (ع) می‌فرماید: طوری تلاش کن که گویی تا ابد زنده هستی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ص ۱۵۶). و قرآن می‌گوید بلافاصله پس از اقامه نماز جمعه بر روی زمین منتشر شده و به کسب روزی از فضل خدا بپردازید (جمعه، ۱۰). همچنین به سفر نمودن برای کسب روزی از طریق تجارت اشاره شده است (مزمّل، ۲۰). در این زمینه مسلمانان تشویق به کسب روزی از ابتدای روز گردیده‌اند (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۵).

۲-۳- اقامه قسط و همیاری در نیکی

قرآن هدف بعثت انبیاء را اقامه عدل و قسط برشمرده است (حدید، ۲۵). یکی از مصادیق قسط در جامعه، ایجاد اشتغال مناسب به وسیله رونق اقتصادی است حال آنکه عواملی همچون خرید و واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، باعث مصرف‌گرایی، رکود تولید داخلی، ورشکستگی کارخانجات و در نتیجه بیکاری و تبعات ویرانگر ناشی از آن خواهد شد. با این توصیف، خرید کالای خارجی مصداق "اکل به باطل" می‌باشد که قرآن از آن نهی نموده است (غافر، ۴۳).

خداوند به واسطه ظلم و اموری همچون بازداشتن از راه خدا، ربا و اکل به باطل توسط یهودیان، چیزهای پاکیزه را بر آنان حرام کرد (نساء، ۱۶۰ و ۱۶۱). این اعراض از یاد خدا و سرپیچی از دستورات او، زندگی را سخت و تلخ خواهد نمود (نساء، ۱۶۸) و این سنت خداست که در صورت شیوع ظلم و حرام خوری، برکت و رزق حلال از بین خواهد رفت.

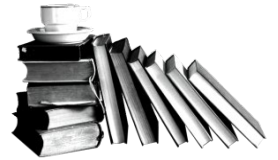
در اسلام، کسی حق ندارد اموال دیگران را تملک و از تصرف مشروع جلوگیری نماید زیرا ضمن حرمت شرعی، از نظر عقلی نیز قبیح و منافی با آزادی دیگران است. بلکه قرآن به احسان و نیکی سفارش نموده (قصص، ۷۷)،

از این رو پسندیده است با تعاون و یاری رسانی به هموطنان، زمینه اعتلای کشور را فراهم نمود (مائده، ۲) و حمایت از تولید داخلی که زمینه‌ساز اشتغال و تأمین معیشت هموطنان و استقلال اقتصادی کشور است، از مصادیق تعاون بر نیکی است.

۳-۳- عدم اعتماد به ظالم

اعتماد و تکیه به ظالمین در اسلام منع گردیده است (هود، ۱۱۳). نه تنها کفار از مصادیق ظالمین محسوب می‌شوند بلکه هر کس به آنان کمک نماید، ظالم محسوب می‌گردد (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۶: ص ۴۷). در قرآن، نه تنها از اعتماد به دشمنان اسلام که از دوستی با آنان نیز نهی شده و افرادی که دشمنان را دوست خود برگزیده‌اند در زمره آنان معرفی نموده که مشمول هدایت خدا واقع نمی‌شوند (مائده، ۵۱).

حُسن ظنّ و مطاوعت از دشمنان، موجب فرهنگ‌پذیری، تشبّه و سرانجام انحراف و سقوط مسلمانان است و از این روست که قرآن اطاعت از کفار را مورد نهی قرار داده و نتیجه آن را زیان و خُسران برشمرده است (آل عمران، ۱۴۹). هرچند امور پلیدی همچون معاملات غیرقانونی و قاچاق، سودآوری و منفعت ظاهری زیادی دارد اما قرآن، صاحبان خرد را از انجام چنین مواردی برحذر داشته است (مائده، ۱۰۰) و کسی که از این طریق مالی کسب کند، علاوه بر ارتکاب گناه، مال کسب شده را در راه نامشروع و باطل از دست خواهد داد و این خسرانی بزرگ است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۸).



۳-۴- هشیاری

خودباوری و آمادگی قرآن عزتمندی و اعتلای مسلمانان را در گرو اتکاء به خودباوری دانسته و ما را به هشیاری و آمادگی همیشگی برای مقابله با اقدامات دشمن، هشدار داده است (انفال، ۶۰). برای نیل به چنین تفوقی، حفظ استقلال در همه زمینه‌ها، امری لازم و ضروری است و این مهم جز با تکیه بر توانمندی‌های داخلی میسر نخواهد شد. باید فقط به سعی و تلاش خود متکی بود تا عزت و استقلال حفظ شود (نجم، ۳۹).

چگونه می‌توان از جامعه‌ای که متکی به تولیدات بیگانه بوده، توقع استقلال، اعتلا و اقتدار داشت؟! حال آن‌که پیامبر اسلام (ص)، تنها اسلام را شایسته برتری می‌داند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴). همچنین قرآن شرط برتری و اعتلا را ایمان به خدا دانسته (آل عمران، ۱۳۹) و می‌گوید با تکیه بر ایمان، برای تشکیل دولت کریمه‌ای که مؤمنان در آن عزیز و منافقان در آن ذلیل می‌باشند (قمی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۸) هیچگونه سستی و اضطراب و اندوهی راه ندارد، چرا که خداوند به عنوان قدرت مطلق، یاری‌گر مؤمنان بوده و وعده نصرت داده است (محمد، ۷) با این نگرش امیدوارانه، مؤمنان واقعی ضمن مجاهده و تلاش (عنکبوت، ۶۹) استقامت و صبر را پیشه خود ساخته (هود، ۱۱۲) تا به عزت و اقتداری که نوید آن داده شده نائل آیند.

۳-۵- استقامت در زندگی و اعتدال در مصرف

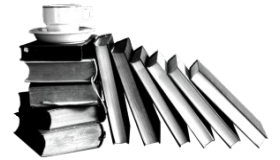
برای نیل به استقلال، صبر و استقامت لازم است (هود، ۱۱۲). ایمان نیز با استقامت و صبر بر شدائد به سرانجام می‌رسد (فصلت، ۳۰). نیل به خودکفایی اقتصادی نیز، جز با صبر و قناعت بر داشته‌های خود، میسر نخواهد شد (جن، ۱۶). صبر و استقامت از ملزومات ورود به بهشت است (دهر، ۱۲) و فرشتگان در استقبال از بهشتیان، آنان را با صفت صبر خطاب می‌کنند (رعد، ۲۴). رعایت شکیبایی و تقوای الهی هم مانع آسیب‌رسانی دشمنان بوده (آل عمران، ۱۲۰) و هم باعث تحکیم عزم و اراده در امور می‌باشد (آل عمران، ۱۸۶). این وعده حتمی خداست که اجر صابران متقی را ضایع ننموده و آنها را به مقصود برساند (یوسف، ۹۰).

اجرای عدالت در زندگی از هر عملی به تقوا نزدیکتر است (مائده، ۸). اعتدال و میانه‌روی یعنی پرهیز از افراط و تفریط، دستوری است که قرآن به عنوان یکی از آموزه‌های مهم و اساسی زندگی بر آن تأکید دارد (لقمان، ۱۹). قرآن در زمینه مصرف، از اسراف و تبذیر نهی می‌کند (اعراف، ۳۱) و اسراف کاران را برادران شیطان می‌داند که همچون شیطان در استفاده از نعمت‌های خداوند، ناسپاس می‌باشند (اسراء، ۲۷).

رسیدن به قلّه عزت استقلال اقتصادی، مستلزم مراعات اعتدال در مصرف و قناعت به محصولات داخلی است. چنانچه واژه اقتصاد نیز خود به معنای اعتدال در دخل و خرج است. اعتدال در همه جا حتی در انفاق نیز ممدوح است (فرقان: ۶۷). اهمیت این موضوع به حدی است که "امت مسلمان" با ویژگی "امت وسط" معرفی شده‌اند (بقره، ۱۴۳). امیرالمؤمنین (ع) نشانه نادان را پرهیز از اعتدال و انجام افراط و تفریط می‌داند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۹۷). یکی از ویژگی‌های اصحاب شمال نیز انتراف و خوشگذرانی آنها در استفاده از نعمت‌های دنیوی است (واقعه، ۴۵). پس بازنگری در الگوی مصرف و رعایت اعتدال در کمیّت (پرهیز از اسراف) و کیفیت (قناعت به کالای داخلی) و صبر و پایداری در ارتقاء تولیدات داخلی، برای نیل به استقلال اقتصادی امری ضروری است.

۳-۶- عدم سلطه کفار

اسلام آخرین و کاملترین دینی است که خداوند برای مردم پسندیده است (مائده، ۳). از این رو دینی برتر از اسلام وجود



ندارد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ص ۳۳۴). در جهان هستی، فقط ذات احدیت زیننده عزت و برتری است (فاطر، ۱۰). چون خداوند عزیز، دین اسلام را به عنوان تنها دین کامل معرفی نموده، مؤمنان به این دین را نیز شایسته عزت دانسته است. پس عزت، تنها از آن خدا، پیامبر و گرویدگان به این دین است (منافقون، ۸). نه کفار حق سلطه بر مسلمانان را دارند و نه مسلمانان اجازه دارند که در ارتباطات و معاملات خود تحت سلطه کفار واقع شده و عزت و اعتلای خود را مخدوش نمایند. این قاعده کلی در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... جاری است (نساء، ۱۴۱). از این رو واردات و مصرف کالاهای خارجی که باعث تضعیف کالاهای داخلی شده و تسهیل‌گر سلطه کفار بر حکومت اسلامی می‌گردد، با عزتمندی اشاره شده در آیات قرآن در تضاد است.

۴- روایات

از دیگر مبانی فقه اسلامی، روایات است. در این زمینه کتب روایی مورد بررسی قرار گرفته و روایات مرتبط، در چهار محور طبقه‌بندی شده‌اند.

۴-۱- تأکید بر تلاش برای کسب و کار

تأمین معاش و توجه مشروع به دنیا، امری پسندیده بوده (قصص، ۷۷) و در مقابل، رهبانیت و نپرداختن به معیشت دنیوی، عامل فقر و کفر است. «پیغمبر اکرم می‌فرمود:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ خَدَايَا نَانَ رَا بَر مَا بَارِكْ بَكَرْدَان، لَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَ مَا تَصَدَّقْنَا وَ لَا صُمْنَا، اِگر ما نان نداشتیم نمی‌توانستیم نماز بخوانیم، نمی‌توانستیم روزه بگیریم، نمی‌توانستیم تصدق بدهیم». (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ص ۳۴۵).

از این رو مبارزه با عواملی که معیشت مردم را تضعیف نماید، امری عقلایی و بلکه دینی است.

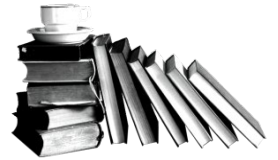
در اسلام دنیا و آخرت با هم مد نظر قرار گرفته‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۷۶). پس اشتغال، هر چند امری دنیوی است ولی در صورت مشروع بودن، از مصادیق "عمل صالح" بوده و ممدوح می‌باشد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱: ص ۶). در مقابل، اشتغال به امور غیرمشروع که نتیجه آنها، اضرار به غیر و تضعیف اقتصاد حکومت اسلامی است، مذموم و تحریم گردیده است. پس چنانچه مال و ثروت، مشروع بدست آید و مشروع مصرف گردد، نه تنها مذموم نیست که پسندیده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۷۶).

بلکه فقری که در نقطه مقابل چنین غنایی باشد مذموم تلقی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۳۰۷). از آنجا که فقر موجب کفر می‌شود، مبارزه با عوامل فقر و محرومیت امری بدیهی است (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۳۸ و ص ۴۷۲). پیشگیری از فقری که بواسطه ضربه به اشتغال و تضعیف تولید داخلی حاصل می‌شود، امری دینی بوده و اسلام ضمن تأکید بر اشتغال و پویایی اقتصاد، کسی را که سربار دیگران شود، ملعون می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ص ۱۲).

هرکس توانایی فعالیت اقتصادی دارد، می‌بایست کار کند چنانچه وقتی پیامبر (ص) متوجه بیکاری فردی می‌شد، می‌فرمود از چشمم افتاد (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۹). حتی رنج و اذیت در راه کسب حلال مذموم نبوده بلکه از عوامل آرمزش محسوب می‌گردد (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۲). امام صادق (ع) نیز طلب دنیا به منظور بی‌نیازی از مردم را امری نیکو برشمرده است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۸) و علی (ع) هم براین مطلب تأکید دارد (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۲).

۴-۲- عبادت بودن کسب روزی حلال

کسب روزی حلال بهترین عبادت برشمرده شده (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸: ص ۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۱۸) تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) کسب حلال را فریضه دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۹).



تلاش برای طلب مال حلال در راستای تأمین معاش خانواده و بهبود اقتصاد کشور از ارزشمندترین عبادت‌هاست زیرا اشتغال مشروع، نه تنها فرد و خانواده‌اش را تأمین می‌نماید، بلکه به اقتصاد جامعه و استقلال اقتصادی حکومت اسلامی کمک نموده و از مصادیق "عمل صالح" به شمار می‌آید. ارزش کسب روزی حلال برای تأمین معیشت، در حدی است که اجر آن از پاداش رزمنده‌ای که در راه خدا جنگ می‌کند بیشتر است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۶: ص ۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۸۸).

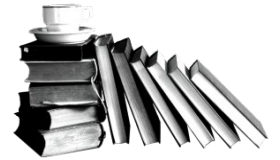
۴-۳- عزّت در تلاش برای کسب روزی حلال

اشتغال به اموری که موجب وابستگی به بیگانگان گردد، و عزّت و استقلال مسلمانان را تضعیف نماید مورد ذمّ شارع بوده و اشتغال به اموری که مناعت و علوّ طبع انسان و استقلال و اعتلای جامعه اسلامی را به دنبال داشته باشد، ممدوح و محبوب باری تعالی است (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱: ص ۶۷). اکتفای عزّتمندانه به مصرف کالای داخلی که رونق تولید داخلی و سرفرازی و استقلال کشور اسلامی را موجب می‌گردد، از مصادیق "معالی الامور" بوده و مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی و پرداختن به واردات نامعقول، حاکی از عجز، انفعال و وابستگی اقتصادی است. از دیدگاه امام صادق (ع) تمایل مؤمن به آنچه ذلت و خواری او را موجب شود، قبیح است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۳۲۰). کسب روزی از طرق غیرمشروع از امور پستی است که نه تنها قبیح و حرام است بلکه موجب فقر گردیده (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۵) و به عنوان توشه راه جهنم معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۱۰). روزی تمامی بندگان، به صورت حلال تقسیم شده اما اگر کسی با ارتکاب حرام سعی در کسب روزی نماید، ضمن کاسته شدن از روزی حلال او، به همان میزان، در قیامت نیز مورد بازخواست قرار خواهد گرفت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ص ۸۰).

۴-۴- اکتفا به توانمندی خود و خودداری از وابستگی به دیگران.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید از دسترنج خود بخورید (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶۳: ص ۳۱۴) که این موضوع بر تلاش برای کسب روزی حلال و قناعت بر توانمندی خود و عدم وابستگی به دیگران دلالت دارد. پیامبر (ص) در احادیث متعددی به این موضوع تأکید فرموده‌اند (شعیری، بی‌تا، ص ۱۳۹ و مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۱۰ و ۹). در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده که منظور از کلام خداوند در آیه: "وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ" این است که خداوند هر انسانی را با روزی خویش بی‌نیاز کرد و او را از کسب و درآمد خویش راضی گردانید (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۶). همچنین در یک رباعی منسوب به ایشان، تحمل سخت‌ترین امور از ننگ منت‌کشی دیگران، آسان‌تر شمرده شده (میبدی، ۱۳۹۰، ص ۶۳۶) و در حدیثی بیان می‌نماید که اظهار نیاز موجب اسارت و بردگی شده و روح استقلال را از بین می‌برد (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ص ۲۰).

اگر جامعه اسلامی دارای اقتصادی وابسته به بیگانه باشد، اسیر و برده بوده و حیات ملی چنین جامعه‌ای مریض و معیوب است. «از شرایط اولیه یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است... از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیر قابل تأمین است. اسلام می‌خواهد که غیر مسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد، و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ص ۴۰۵). در همین زمینه در رباعی منسوب به امیرالمؤمنین (ع)، آزاد زیستن در گرو سخت کارکردن و چشم ندوختن به مال دیگران مطرح شده، چرا که ذلت در وابستگی به دیگران و عزت در استغناء از دیگران است (میبدی، ۱۳۹۰، ص ۴۹۱). از راه‌های استحاله فرهنگ مسلمانان، تشبیه آن‌ها به کفار است که در روایات از آن نهی شده است (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ص ۵۱۳).



امام صادق (ع) می‌فرماید خداوند به یکی از پیامبرانش وحی نمود تشبّه عملی به دشمنان، شما را همچون دشمنان خدا خواهد کرد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۰: ص ۷۱۳). پس نباید به فرهنگ بیگانه تأسی نموده و الگوی مصرف خود را مطابق با نگرش آنان تنظیم کرد که در این صورت خداوند چنین مسلمانان مقلّدی را ذلیل و خوار می‌کند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۴۱۰).

امام صادق (ع)، تأکید می‌فرماید که دین خود را با بی‌نیازی از درخواست، تقویت کنید، چرا که خضوع بخاطر درخواست نیاز، موجب خمول و گمنامی انسان، خشم خدا، واگذاری او به خودش و زوال برکت و اجر، اعمال می‌گردد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۱۷۸).

۵- قواعد فقهی

در این بخش، با مطالعه قواعد فقهی، تعداد نه قاعده که بر موضوع حمایت از کالای ایرانی دلالت دارند مورد تبیین واقع شده است.

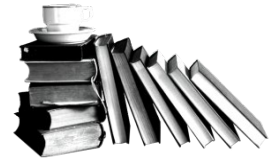
۵-۱- قاعده نفی سبیل

این قاعده هرگونه استیلاي کافر بر مسلمان را به علت برتری اسلام، رد کرده است. «معنی این قاعده این است که خداوند به سلطه کافر بر مسلمان راضی نیست و هر اقدامی که منتهی به سلطه کافر بر مسلمان شود آن عمل نادرست و از نظر حقوقی باطل است» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۹). قاعده مذکور عام بوده و هر کاری اعم از معاملات و ارتباطات را دربر می‌گیرد. «و علیه کلّ عمل من المعاملات و العلاقات بین المسلمین و الکفار إذا کان موجبا لتسلّط الکفار علی المسلمین فإنه لا یجوز شرعا فردیاً کان أو جمعياً» (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۹۳).

این قاعده که در فقه‌الاقتصاد نیز جاری می‌باشد مطلق بوده و مشمول تمامی راه‌های تسلط بر مسلمان، چه تکوینی و چه تشریحی می‌گردد «أن نفي السبيل مطلقاً لازمه نفي جميع السبل تکویناً و تشریحاً، فلم یکن الأمر دائراً بین أحد المعانی، كما یظهر من المفسّرين و غیرهم» (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ص ۷۲۳). همچنین بر تمامی احکام حکومت دارد، پس در مقام تعارض با سایر احکام، از اولویت و تقدم برخوردار است. «قاعده نفی السبیل بر ادله اولیه و احکام، حکومت دارد» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱: ص ۳۵۰). مفهوم این قاعده در اصول ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۲ و ۱۵۳ قانون اساسی و مواد ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی مشاهده می‌شود.

تضعیف کالای تولید داخل، موجب تقویت واردات کالاهای خارجی گردیده و مسیر وابستگی اقتصادی به خارج را تسهیل می‌نماید. موضوع اشتغال، با چالش جدی مواجه شده و معضل بیکاری، باعث ضربه به قانون خانواده، گسترش دامنه فساد، اعتیاد و سایر ناهنجاری‌های اخلاقی می‌گردد که خود زمینه ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی را فراهم نموده، امنیت اجتماعی و قدرت نظام اسلامی را تضعیف می‌نماید و زمینه انفعال داخلی و تسلط قدرت‌های اقتصادی بیگانه بر کشور را موجب می‌گردد. از سویی ورود غیرقانونی کالاهای خارجی که به وابستگی دامن می‌زند نیز، از نظر شرعی جایز نمی‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳: ص ۱۹۵).

اما در مقابل، کارگران، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی نیز موظفند با رعایت وجدان کاری، هزینه‌های تولید را کاهش، بهره‌وری را افزایش و کیفیت کالاهای تولیدی را ارتقاء بخشند زیرا اسلام دینی است که به کیفیت و اتقان اهمیت داده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید خداوند فردی را که کار نیکویی انجام دهد و آن را متقن گرداند، مورد رحمت قرار داده و دوست دارد (عریضی، ۱۴۰۹، ص ۹۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳: ص ۲۳۰).



۲-۵- قاعده لا ضرر

به سبب لطف و امتنان خداوند، حکم ضرری بر بندگان در شریعت اسلام ممنوع گردیده «و ذلك امتناناً علی العباد» (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۴۳) و کسی حق ندارد در راستای بهره‌مندی از مایملک خود، به دیگری ضرر برساند. این موضوع نه تنها یک حکم شرعی است که عقل نیز به آن حکم می‌نماید: «فقیهان می‌گویند "نفسی ضرر" از "مستقلات عقلیه" است... همانطور که قبل از شارع اسلام حقوقدانان و عقلای جوامع بشری مفهوم مزبور را درک کرده و مبنای ضمان قهری و مسئولیت مدنی را بر این اساس قرار داده بودند» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، صص ۲۵ و ۲۶).

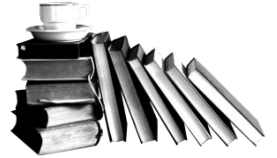
قاعده لا ضرر، مشمول همه احکام است «قاعده لا ضرر از جمله قواعدی است که در همه ابواب فقه کاربرد دارد. فقیهان قاعده مزبور را هم در عبادات و هم در معاملات و روابط قراردادی، هم در ضمان قهری و مسئولیت مدنی، هم در احکام تکلیفی و هم در احکام وضعی مورد استناد قرار داده‌اند» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۶۶) و بر سایر ادله حکومت دارد «قاعده لا ضرر و قاعده لا حرج بر ادله اولیه حکومت واقعیه دارند» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱: ص ۳۵۰).

واردات و ترجیح خرید کالای خارجی، باعث رکود و تعطیلی کارخانجات تولیدی و بیکاری شاغلین و ضرر به اقتصاد ملی، وابستگی اقتصادی و تضعیف حکومت اسلامی می‌گردد، پس پیشگیری از ضرر فاحشی که حکومت اسلامی را به عنوان اهم واجبات عقلی و شرعی مورد خدشه قرار دهد بر سایر امور اولویت داشته و از نظر فقهی لازم‌الرعایه است.

۳-۵- قاعده حفظ نظام

این قاعده مورد اتفاق فقها و از اهم قواعد فقهی است و تمام نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود «حفظ اسلام يك فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ص ۳۲۹).

ادله اثبات این قاعده، همان ادله وجوب تشکیل حکومت اسلامی است. حفظ حکومت اسلامی و رفع موانع آن نیز از واجبات دینی محسوب می‌شود: «امروز بر ملت ایران، خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان عموماً، واجب است این امانت الهی [حکومت اسلامی] را که در ایران به‌طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند» (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۸). امام خمینی ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در همه زمان‌ها و مکان‌ها را در کتاب کشف الاسرار با دلیل عقلی مستقل و غیر مستقل و سیره پیامبر (ص) و علی (ع) و در کتاب البیع با دلایل عقلی و نقلی مطرح نموده و در کتاب الرسائل با تمسک به دلیل عقلی غیرمستقل به اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پرداخته است. ایشان در کتاب ولایت فقیه بیان می‌دارد که برای ایجاد عدالت و جلوگیری از هرج و مرج و فساد، تشکیل حکومت اسلامی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است: «بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره، که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج به وجود می‌آید، و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید» (خمینی، بی‌تا، ص ۲۷). فلسفه لزوم تشکیل حکومت اسلامی این است که حکومت اسلامی، حکومت قانون خداوند بر مردم است، و قانون خداوند همیشه لازم الاجراست: «حکومت اسلامی "حکومت قانون الهی بر مردم" است» (خمینی، بی‌تا، ص ۴۴). بر این مبنای دولت اسلامی می‌بایست به منظور حفظ نظام اسلامی، در سیاست داخلی و خارجی خود همواره منافع و مصالح حکومت اسلامی را مدنظر قرار دهد.



۴-۵- قاعده سلطنت

این قاعده از مشهورترین قواعد فقهی اسلام در حوزه اقتصاد است. بدین مفهوم که مالک نسبت به انواع تصرفات جایز در مال خود سلطه دارد جز در مواردی که تصرفش موجب ضرر به دیگری یا از مصادیق تصرف حرام باشد. «مراد و منظور از این قاعده این است که مالک در مورد مال خود سلطه کامل دارد و می‌تواند انواع تصرفات را در مال خود بنماید و هیچ محدودیتی برای تصرف مالک نیست جز در مورد ضرر غیر یا تصرف حرام» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱).

بر همین اساس، فقها قائل به بطلان تملیک مال غیر، بدون اذن او شده‌اند. «أن تملك مال الغير بغير اذنه علی خلاف سلطنته علیه» (حکیم، بی تا، ص ۸۰). تمسک به این قاعده در زمان ایجاد شک در جواز تصرف نیز، موجب تثبیت تصرف می‌گردد: «فکلّمَا شكّ في جواز التصرف و التسلط يتمسك بالقاعدة و يثبت الجواز» (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۱۳۶). این قاعده، در قانون مدنی ایران نیز محترم شمرده شده و در مواد ۳۰ الی ۳۲ بیان گردیده است.

اما اگر کسی حتی با سرمایه مشروع خود اقدام به واردات کالاهایی نماید که موجبات ضرر به تولید داخلی و ضربه به استقلال اقتصادی مملکت گردد، حاکم اسلامی می‌تواند بنا به مصلحت، از تصرف مالک نسبت به اموالش جلوگیری نماید. «قد تحصل مصلحة في بعض المقامات تقتضي جواز الحبس للحاکم» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۲۴۹). از این رو، قاعده سلطنت در چارچوب قانون و رعایت حقوق دیگران، قابلیت اجرا دارد. «از قاعده سلطنت نمی‌توان سلطه مطلق اقتصادی را اثبات کرد زیرا شریعت اسلام، آزادی اقتصادی را در چارچوب قانون و ارزش‌های معنوی پذیرفته است» (کرمی و پورمند، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

۵-۵- قاعده ولایت حاکم

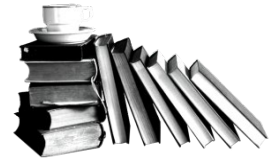
قاعده ولایت حاکم یا "الحاکم ولی الممتنع"، به حاکم اسلامی اجازه می‌دهد که قانون‌گریزان را در ادای حق، مجبور نماید. «مفهوم قاعده این است که اگر کسی از ادای حقوق دیگران یا انجام تکالیف خود امتناع کند، حاکم جامعه اسلامی بنا بر وظیفه خود به جای ممتنع وارد عمل می‌شود» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۳).

این قاعده، مقبول همه فقهاست، هر چند در قلمرو اختیارات حاکم در این زمینه، اختلاف نظرانی وجود دارد. در کتب فقهی از "ولایت فقیه بر ممتنع" در اموری بحث شده که عبارتند از: «ولایة الفقیه علی الممتنع من أخذ الثمن في البيع الخیاری، عن أخذ الثمن أو المثل في المدة المقررة، عن أداء الدين الشخصي، من تقسیم الأموال في الشركة، عن أداء حق المرتهن، عن الرجوع أو الطلاق في الظهار، عن الرجوع أو الطلاق في الإیلاء، عن تفسیر الإقرار المبهم، عن إحياء الارض، عن المصالحة في المال المختلط» (خلخالی، ۱۴۲۵، صص ۸۳۹-۸۴۷). اما اجرای این قاعده مشروط به سه امر است: احراز امتناع، وجود حاکم، تقاضای صاحب حق. برخی از مصادیق قاعده در موادی از قانون مدنی آمده است (مواد ۲۷۳، ۳۸۷ و ۱۱۳۰).

تظلم و دادخواهی کارگران بخش تولید داخلی، متأثر از ورود کالاهای خارجی که موجبات رکود فروش کالاهای ایرانی و بیکاری را فراهم آورده، بارها به سمع مسئولین به ویژه ولی فقیه رسیده است. ره‌آورد این رویه، تضییع حقوق قشر عظیمی از امت اسلامی و وابستگی اقتصادی و سیاسی مملکت است. بنابراین هر سه شرط اجرای قاعده یعنی احراز امتناع، وجود حاکم و تقاضای صاحب حق، موجود است. از این رو ولی فقیه، "حمایت از کالای ایرانی" را ابلاغ و مردم و مسئولین را برای تحقق این شعار مکلف نموده است.

۶-۵- قاعده حرمت اعانت بر اثم

عناصر عمومی جرم سه تاست: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی (عوده، ۱۳۹۴، صص ۱۴۶ و ۱۴۷). چنانچه برخی به



فاعل یا شرکا در انجام عنصر مادی گناه، کمک و مساعدت نمایند به عمل آنها "اعانت بر اثم" و در حقوق جزای عرفی "معاونت در جرم" اطلاق می‌گردد. "حرمت اعانت بر اثم" نزد فقهای متقدم به عنوان یک قاعده بیان نگردیده، ولی فقهای متأخر نظیر ملا احمد نراقی، فاضل لنکرانی و سید محمد بنجوردی، آن را قاعده فقهی گفته‌اند. از متقدمین «شیخ انصاری در مکاسب محرمة در مبحث "معونة الظالمین" تا حدودی در این زمینه بحث کرده است» (محقق داماد، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳). هرگونه مساعدت از نظر فعل، فکر و اغراء نسبت به گناهکار در راستای انجام گناه، "اعانت بر اثم" محسوب و حرام است.

در مقطعی که استکبار در صدد نابودی حکومت اسلامی است، هرگونه مساعدت به دشمن، از مصادیق "اعانت بر اثم" تلقی شده و حرام می‌باشد. «اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، واجب است قطع این گونه روابط، و حرام است این نحو تجارت» (خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲: ص ۷۶۲، مسأله ۲۸۳۱؛ لنکرانی، ۱۴۲۶، ص ۳۴۵، مسأله ۱۴۸۳).

البته مشهور فقها در تحقق معاونت بر اثم، "آگاه بودن" را کافی دانسته و برخی علاوه بر آن "سوء نیت" را نیز لازم دانسته‌اند. «شیخ طوسی، علامه حلی، محقق ثانی، اردبیلی، صاحب حدائق، صاحب ریاض و امام خمینی، برای تحقق معاونت، صرف علم و اطلاع بر قصد شخص مباشر را کافی می‌دانند، اعم از اینکه معاون، از انجام مقدمات حرام، قصد اعانت داشته باشد یا خیر» (محقق داماد، ۱۳۹۴، صص ۱۸۵ و ۱۸۶).

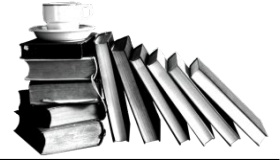
پس اقدام آگاهانه به واردات و مصرف کالاهای خارجی و تضعیف تولید داخلی، حتی بدون قصد مساعدت به دشمن، از مصادیق "اعانت بر اثم" می‌باشد. اما برخی نظیر «محقق ثانی در حاشیه شرح ارشاد، شیخ انصاری در مکاسب محرمة و ابن ادریس حلی در سرائر معتقدند که صرف علم و اطلاع معاون برای مقصود کافی نیست، بلکه باید قصد مجرمانه نیز داشته باشد» (محقق داماد، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶). بر این اساس، اقدام برخی آگاهان معاند که قصد مساعدت به دشمن داشته باشند، مشمول قاعده "حرمت اعانت بر اثم" قرار می‌گیرند.

برای جمع بین این دو دیدگاه که برخاسته از روایات متعارض هستند، نگرش محقق اردبیلی به صواب نزدیک‌تر است که می‌گوید اگر فرد معاون بر اثم، قصد داشته، یا فاقد قصد باشد ولی از نگاه عرف عملش معاونت بر اثم تلقی گردد، مصداق قاعده "حرمت اعانت بر اثم" خواهد بود. «و الظاهر أنّ المراد الإعانة علی المعاصي مع القصد أو علی الوجه الذی یقال عرفاً أنه كذلك» (اردبیلی، بی تا، ص ۲۹۷).

۷-۵- قاعده الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار

این قاعده را قاعده عدم معذوریت شخص مضطرّ به اختیار خود گویند که در مواردی همچون تجرّی، اجتماع امر و نهی و ترتّب استفاده می‌شود. بدین مفهوم که چون اضطرار مکلف متأثر از سوء اختیارش بوده، از نظر عقل و شرع نافی مسئولیت وی نخواهد بود. «معنی القاعدة هو أنّ المكلف إذا ألقى نفسه في المحذور (الفعل المحرم) يتحقق الامتناع بمعنى عدم إمكان الامتناع في ذاك الحال، و لكن ذلك (الإلقاء في المحذور بسوء الاختیار) لا یوجب نفي التکلیف و العقاب؛ لأنّ الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار الذی یشرط فی التکلیف و العقاب» (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۶۹).

بر همین مبنا گاهی اوقات مکلف در استفاده از کالاهای خارجی آنچنان افراط می‌کند که ترک استفاده از کالاهای خارجی و استفاده از تولیدات داخلی موجب عسر و حرج برای او می‌گردد. اما این عسر و حرج همچون حکم "الصلاة فی الأرض المغصوبة" ملاک اباحه عمل نخواهد بود، چون این مضیقه و تنگنا به واسطه سوء اختیار مکلف حادث گردیده است: «عسر حرج در اجتناب از آنها [مصنوعات بلاد کفر] نیست بر فرض که باشد از سوء اختیار منفی نیست کالمتوسّط



عمدا فی الارض المغصوبة» (لاری، ۱۴۱۸، ص ۳۰۰).

۸-۵- قاعده اتلاف

این قاعده به معنای تضییع عمدی یا غیر عمدی مال دیگری بدون اذن و رضایت اوست. چنانچه متلف قصد احسان نداشته، ضامن مثل یا قیمت تلف شده خواهد بود. اگر اتلاف، آگاهانه و با اختیار صورت نگیرد هر چند گناه نمی‌باشد ولی ضامن متلف را در بر دارد. موجبات ضمان در فقه «ضمان اتلاف» و «ضمان ید» است که ضمان اتلاف نیز منقسم به «اتلاف بالمباشره» و «اتلاف بالتسبیب» می‌باشد با این تفاوت که «وضع ید و سلطه» در ضمان ید ضروری ولی در ضمان اتلاف، ممکن است و در مقابل «رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل فاعل» در ضمان ید ممکن ولی در ضمان اتلاف ضروری است. ضمان در «اتلاف بالمباشره» بدیهی است ولی ضمان در «اتلاف بالتسبیب» مشروط به احراز رابطه سببیت و تلف و همچنین حائل نبودن اراده انسانی عاقل (مباشر) بین سبب و تلف است که این موضوع در ماده ۳۳۲ قانون مدنی تبیین گردیده است. در قانون مدنی، مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ به ترتیب به اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب اشاره نموده‌اند.

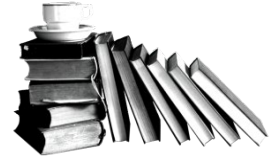
این قاعده مأخوذ از جمله مشهور «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» بوده که صاحب جواهر آن را مستفاد از برخی روایات دانسته است «المراد منه هو الحديث المشتهر على السنة الفقهاء «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» الا أنه لم نجد نص ذلك مع التتبع في مظانها، و الظاهر أنه مستفاد من عدة روایات وردت في أبواب مختلفة» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۹۱). مرحوم آخوند نیز آن را قاعده اصطیادی برشمرده است «هذه العبارة لم توجد في أي رواية مما وردت في كتب الفريقين، كما اعترف به غير واحد و من المحتمل قويا أنها قاعدة مصطادة من الروایات الكثيرة الواردة خاصة في أبواب الديات و الشهادات و الإجارة و غيرها، بحيث يعلم بإلغاء الخصوصية عنها» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶، ص ۸۲).

قاعده اتلاف علاوه بر ضمان مال، بر ضمان منفعت تلف شده نیز دلالت دارد. این موضوع را می‌توان از روایت صحیحه ابی‌ولاد از امام صادق (ع) استنباط نمود «يستفاد من هذه الرواية الصحيحة السند عدة أمور... أهمها... وجوب ضمان المنفعة المغصوبة فإنه كما يمكن غصب العين يمكن غصب المنفعة» (صدر، ۱۴۲۰، ج ۷: ص ۳۰۸) «ما يستفاد من صحيح أبي ولاد المشهور فإنه تضمن ضمان الانتفاعات المستوفاة» (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ص ۶۵).

با واردات و خرید و مصرف کالای خارجی، کارخانجات داخلی ورشکسته گردیده، سرمایه سرمایه‌گذاران و تسهیلات مأخوذه از بانک‌ها برای تولید به هدر رفته و کارگران بیکار می‌شوند. این اقدامات ضمان آور، هم اتلاف اموال و هم اتلاف منفعت را موجب گردیده و نتیجه آن تضعیف و نابودی اقتصاد کشور در موقعیت حساس جنگ اقتصادی و وابستگی جامعه اسلامی به دشمنان خواهد شد.

۹-۵- قاعده احترام مال المسلم و عمله

بر اساس قاعده احترام، مال و عمل مسلمان محترم بوده، تصرف بدون اذن در مال مسلمان جایز نیست و نباید مال و عمل مسلمان را بدون مابه‌ازاء، مورد بهره‌برداری قرار داد. این قاعده در مورد تمامی انسان‌ها جاری است و اختصاصی به مسلمان ندارد «اگر بحث از احترام مال مسلم یا مؤمن به میان آمده به اعتبار مسلمان بودن قاطبه مردم جامعه بوده ولی همه مردم را در نظر داشته است» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ص ۴۷). شیخ انصاری می‌گوید هر کاری توسط عامل صورت گیرد، پرداخت عوض آن لازم بوده و این موضوع مبتنی بر قواعد احترام و نفی ضرر است: «فكل عمل وقع من عامل لأحدٍ بحيث يقع بأمره و تحصيلاً لغرضه، فلا بدّ من أداء عوضه؛ لقاعدتي الاحترام و نفی الضرر» (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳: ص ۱۹۰). قلمرو قاعده احترام نسبت به قاعده اتلاف گسترده‌تر بوده و شامل مال و عمل می‌باشد حال آن‌که قاعده اتلاف تنها در

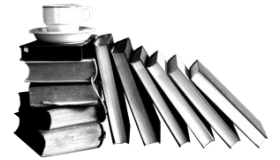


زمینه مال جاری است: «أن قاعدة الاحترام تكون أوسع نطاقاً بالنسبة إلى قاعدة الإلتلاف؛ و ذلك لأن مدى قاعدة الاحترام هو المال و العمل بينما نطاق قاعدة الإلتلاف هو المال فحسب» (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۶). ضمن اینکه قاعده احترام اصالتاً افاده حکم تکلیفی می‌کند، اما قاعده اتلاف اصالتاً حکم وضعی ضمان و مسئولیت مدنی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر قاعده احترام، مانع از تصرف بدون اذن در مال دیگران است ولی قاعده اتلاف، وظیفه را پس از تصرف در مال دیگران تعیین می‌نماید. چون واردات، خرید و مصرف کالای خارجی، موجب تعطیلی کارخانجات داخلی گردیده و امکان پرداخت اجرت کارگران را از بین می‌برد، جایز نبوده و موجب ضمان خواهد بود. قانون اساسی نیز در اصل ۲۲ به مصونیت شغل اشخاص از تعرض اشاره نموده است. از طرفی به هدر رفتن سرمایه سرمایه‌گذاران و تسهیلات بانکی در زمینه تولید نیز از مصادیق تجاوز و تصرف بدون اذن در مال محسوب شده و حرام می‌باشد. اعتراضات متعدد کارگران بیکار شده که دستمزد ماه‌ها تلاش آن‌ها به سبب تعطیلی کارخانجات پرداخت نگردیده و همچنین تخریب اموال عمومی ناشی از به خشونت کشیده شدن این اعتراضات، نتیجه اقدامات ضمان‌آوری است که این وضعیت را به وجود آورده‌اند.

نتیجه‌گیری

این مقاله به تبیین مبانی فقهی موضوع حمایت از کالای ایرانی متأثر از اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و دغدغه فکری ایشان را به عنوان مهم‌ترین موضوع طی ۱۲ سال، بررسی نموده است. از آنجا که آیات، روایات و قواعد فقهی زیربنای اندیشه‌های فقهی را تشکیل می‌دهند، بر این اساس به واکاوی موضوع در این سه مقوله پرداخته شده است. با جمع‌بندی آیات مشخص شد که بندگان در کسب روزی به رعایت تقوا دعوت شده‌اند، پس تکیه به بیگانه برای تأمین نیازها امری خلاف تقوای الهی است. اتکا مسلمانان به توانمندی خود در کسب عزتمندانه روزی حلال و عدم وابستگی به بیگانگان که سلطه‌پذیری و تحقیر را به همراه دارد، مسیری است که خداوند برای عزت مسلمانان ترسیم نموده است. هدف بعثت انبیاء اقامه عدل و قسط بوده و یکی از مصادیق آن، ایجاد فرصت مناسب برای اشتغال همگان است. واردات و مصرف کالای خارجی که تضعیف تولید و اقتصاد ملی را موجب شود، مصادیق "اکل به باطل" می‌باشد. در قرآن به احسان و نیکی به یکدیگر سفارش شده و حمایت از تولید داخلی که زمینه‌ساز تأمین معیشت هموطنان گردیده و به اعتلای اقتصاد و استقلال کشور کمک می‌کند، از مصادیق تعاون بر نیکی است. در اسلام اعتماد به ظالمین منع گردیده و هر کس به ظالمین کمک نموده و موجب ضربه به تولید داخلی و تضعیف استقلال حکومت اسلامی شود، ظالم محسوب می‌گردد. در همین راستا، از دوستی با دشمنان اسلام نهی شده و چنین افرادی در زمره ظالمین و دشمنان معرفی گردیده‌اند، چون حسن ظن به دشمنان، موجب فرهنگ‌پذیری و تشبّه و انحراف و سقوط خواهد بود.

امت اسلامی باید همواره با تجهیز خود، مترصد دسیسه‌های دشمن بوده و با نمایاندن اقتدار و ابهت خود، آنچنان هراسی به دل دشمن اندازد که فکر تعرض را به مخیله خود راه ندهد. برای نیل به چنین تفوقی، حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... امری ضروری است و این مهم جز با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و پرهیز از وابستگی میسر نخواهد شد. در این مسیر، خودباوری، قناعت و تکیه بر استعداد و داشته‌های خود تعیین‌کننده هستند. کسب استقلال مستلزم صبر و استقامت است و رسیدن به خودکفایی اقتصادی، جز با صبر و قناعت بر ظرفیت داخلی و اهتمام بر پیشرفت ملی ممکن نیست. از طرفی اعتدال و میانه‌روی در مصرف و قناعت به محصولات داخلی از آموزه‌های مهم برای استقلال اقتصادی است، پس بازنگری در الگوی مصرف و رعایت اعتدال در کمیّت (پرهیز از اسراف) و کیفیت (قناعت به کالای داخلی) و همچنین



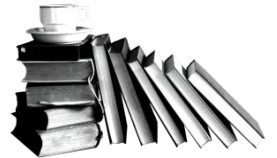
صبر و پایداری در ارتقاء تولیدات داخلی، لازم و ضروری است. هر اقدامی که موجب وابستگی به کفار شده و عزتمندی و استقلال مسلمانان را تضعیف نماید غیر مشروع و مذموم است. بنابراین واردات کالاهای خارجی که باعث تضعیف تولید داخلی شده و تبعاتی چون بروز معضلات اجتماعی و اقتصادی را بدنبال داشته و تسهیل‌گر سلطه کفار بر حکومت اسلامی است، با عزتمندی مسلمانان در تضاد می‌باشد.

از مجموع روایات دانسته شد که اسلام بر تأمین مشروع مایحتاج زندگی تأکید می‌نماید. از این رو اشتغال مشروع، هر چند امری دنیوی است، از مصادیق عمل صالح محسوب می‌شود و در مقابل، اشتغال به امور غیر مشروع که نتیجه آن‌ها، اضرار به غیر و تضعیف اقتصاد حکومت اسلامی است، مذموم شمرده شده و تحریم گردیده‌اند. هر کس توانایی انجام فعالیت اقتصادی دارد، می‌بایست کار کند و سربار دیگران بودن، ملعون معرفی شده است.

اهمیت اینگونه تلاش و کسب مال حلال برای تأمین معاش خانواده و بهبود اقتصاد کشور از مصادیق عمل صالح و ارزشمندترین عبادت‌ها محسوب شده و اجر آن از پاداش رزمنده‌ای که در راه خدا می‌جنگد بیشتر است.

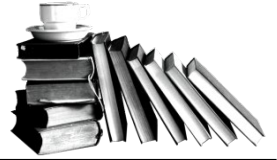
اشتغال به اموری که موجب وهن، استخفاف و وابستگی به بیگانگان گردد، مورد ذمّ شارع بوده و درمقابل اشتغال به اموری که عزّت، مناعت و علوّ طبع مسلمانان را موجب گردد، ممدوح است. از این رو، قناعت عزتمندانه به مصرف کالای داخلی که رونق تولید و استقلال کشور اسلامی را موجب گردد، از مصادیق معالی‌الامور محسوب گردیده و مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی و واردات نامعقول اجناس خارجی، حاکی از عجز، انفعال و وابستگی اقتصادی است. در این راستا پیامبر اسلام (ص) با تبیین محاسن ارتزاق از دسترنج خویش، به تلاش برای کسب روزی حلال و قناعت بر توانمندی خود و عدم وابستگی به دیگران تأکید نموده است. همچنین علی (ع) اظهار نیاز را موجب اسارت و بردگی و از بین بردن روح استقلال می‌داند.

تعداد نه قاعده فقهی بر موضوع حمایت از کالای ایرانی دلالت دارند. بر اساس این قواعد، عدم حمایت از کالای ایرانی، استقلال اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی را تضعیف نموده و راه تسلط بیگانگان بر کشور اسلامی ایران را هموار می‌نماید چرا که سبب اضرار به دیگران، تجاوز به منافع عمومی و ضرر به اقتصاد ملی می‌گردد. از این رو دولت اسلامی و آحاد مردم وظیفه دارند تا از طریق حمایت همه جانبه از کالای ایرانی، عزت، استقلال و اقتدار نظام اسلامی را حفظ نموده و مصلحت نظام را بر سایر امور ترجیح دهند. حاکم اسلامی می‌تواند بنا به مصلحت، از تصرف مالکینی که سرمایه خود را در تقابل با اهداف استقلال طلبانه حکومت به کار می‌گیرند، ممانعت به عمل آورد، چرا که ره‌آورد این رویه نامشروع، تزییع حقوق قشر عظیمی از امت اسلامی است که بارها تظلم و دادخواهی خود را به سمع مسئولین و ولی فقیه رسانده‌اند. این نحو تجارت که موجب صدمه اقتصادی به مسلمانان و مملکت اسلامی است، مصداق اثم بوده و هرگونه مساعدت با دشمن در این راستا، از مصادیق اعانت بر اثم تلقی و از باب تضعیف و نابودی حکومت اسلامی، امری حرام محسوب می‌گردد. در این راستا هر اقدام علیه استقلال اقتصادی مسلمانان و حکومت اسلامی ضمان آور بوده، اتلاف اموال و منفعت صاحبان کارخانجات، سرمایه‌داران، سهام‌داران، کارگران را موجب گردیده و نتیجه آن تضعیف و نابودی اقتصاد کشور در موقعیت حساس کنونی و وابستگی اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی به دشمنان خواهد بود.



منابع و مآخذ

- ❖ ابن حیون، نعمان، دعائم الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ج ۲، ۱۳۸۵ق.
- ❖ ابوطالبی، مهدی، «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار»، مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال ۱۰، ۵-۲۶، ۱۳۹۲ش.
- ❖ احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ج ۱، ۱۴۰۵ق.
- ❖ آخوند خراسانی، محمد کاظم، حاشیه المکاسب (للآخوند)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ❖ اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ج ۸، ۱۴۰۳ق.
- ❖ اردبیلی، احمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ اول، بی تا.
- ❖ اسلامی، رضا، «مبانی فقهی حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی»، مجله تخصصی نور، شماره ۷۴، ۴-۳۳، ۱۳۹۱.
- ❖ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیث)، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ج ۳، ۱۴۱۵ق.
- ❖ بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد)، تهران: مؤسسه عروج، چاپ سوم، ج ۱، ۱۴۰۱ق.
- ❖ بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، جلد دوم، قاعده لاضرر، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- ❖ بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، جلد یکم، مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی حقوقی (با تطبیق بر قوانین)، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
- ❖ جلائیان نیا، علی اکبر و دیگران، «حمایت از تولیدات ملی و قاعده نفی سبیل»، مجله تخصصی نور، شماره ۱۰۵، ۱۲۹-۱۴۸، ۱۳۹۴.
- ❖ حرّ عاملی، محمد، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ج ۳ و ۱۷، ۱۴۰۹ق.
- ❖ حرّ عاملی، محمد، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ج ۶، ۱۴۱۲ق.
- ❖ حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول، ج ۱۲، ۱۴۱۶ق.
- ❖ حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۰ش.
- ❖ خلخالی، محمد مهدی، الحاکمیة فی الإسلام، قم: مجمع اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۵.
- ❖ خمینی، روح الله، کتاب البیع (للإمام الخميني)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ج ۲، ۱۴۲۱ق.
- ❖ خمینی، روح الله (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (محتسبی امام خمینی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ج ۲.
- ❖ خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ج ۱۵، ۱۳۸۹ش.
- ❖ خمینی، روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی - ویرایش جدید)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، بی تا.
- ❖ شعیری، محمد، جامع الأخبار (للسعیری)، نجف: مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی تا.
- ❖ صدر، محمد، ماوراء الفقه، بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ج ۷، ۱۴۲۰ق.
- ❖ صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ج ۳ و ۴، ۱۴۱۳ق.
- ❖ عبدالهی عابد و دیگران، «راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی»، فصلنامه سراج منیر دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۵، شماره ۱۶، پاییز ۹۳، صص ۱۳۰-۱۰۹، ۱۳۹۳.
- ❖ عریضی، علی بن جعفر علیهما السلام، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.



- ❖ عوده، عبدالقادر، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی - جلد اول: حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن فرهودی نیا، تهران: نشر احسان، نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
- ❖ فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، مصحح: ضیاءالدین حسینی اصفهانی، اصفهان: نشر کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، چاپ اول، ج ۲۰، ۱۴۰۶ ق.
- ❖ قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارت پارسایان، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ش.
- ❖ کاشف الغطاء، محمد حسین، تحریر المجلة، نجف اشرف: المكتبة المرتضوية، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۵۹ ق.
- ❖ کلینی، محمد، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ج ۲ و ۴ و ۵، ۱۴۰۷ ق.
- ❖ کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۱ ش.
- ❖ لاری، عبدالحسین، مجموعه مقالات، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ❖ لنکرانی، محمد فاضل، رساله توضیح المسائل (فاضل)، قم: [بی نا]، چاپ صد و چهاردهم، ۱۴۲۶ ق.
- ❖ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ج ۶۳ و ۱۰۰، ۱۴۱۰ ق.
- ❖ محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه - بخش جزایی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۴ ش.
- ❖ مصطفوی، محمد کاظم، مائة قاعدة فقهية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ق.
- ❖ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ج ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۴ ش.
- ❖ مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید (مکارم)، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ج ۳، ۱۴۲۷ ق.
- ❖ میبدی، میر حسین، شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، مقدمه و تصحیح رحمانی، حسن و سید ابراهیم اشک شیرین، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.
- ❖ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۳۱ و ۴۱، ۱۴۰۴ ق.

Abstract

The Supreme Leader insist on "supporting the Iranian commodity" as the backbone of the resistance economy. The foundations of his jurisprudential have no yet been comprehensively explained. So the jurisprudential foundations and Quranic and narrative documents was studied. There are verses in this issue, dividing into six groups: believing in God's giving, setting up a premium and help in good, non-trust in unjust, consciousness, self-esteem and preparedness, endurance in life, and moderation in consumption, non-domination of unbelievers. In this context, the narratives that explain the issue were also brought in four categories: the emphasis on business endeavors, the fact that halal business is a worship, dignity in the quest for a halal business, self-empowerment, and the avoidance of dependence on others. Also by reviewing the jurisprudential texts, there were nine rules that indicated the issue, including: nafye sabil, La zarrar, Preserving the regime, monarchy, ruling providence, forbidding of assisting in forbidden, being involuntary doesn't mean, waste, respect to Muslim capital and doing. The result is that the subject is based on a firm jurisprudential basis.

Keywords: Resistance Economy, Iranian Product, Jurisprudential Basis, Verses, Narrations.

